

تأثیر فضاهای شهری بر سبک زندگی زنان در شهر تهران

علی زینالی عظیم^۱

فرزاد زربخش^۲

مجتبی سلیمی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر فضاهای شهری بر سبک زندگی زنان در سه منطقه شمال، جنوب و مرکز شهر تهران اختصاص دارد. این مطالعه با رویکردی توصیفی-تحلیلی انجام شده است و جامعه آماری آن را ۳۸۴ زن ساکن این مناطق تشکیل می‌دهند که نمونه‌ها به‌طور مساوی میان سه منطقه توزیع شده‌اند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته گردآوری و با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری، ازجمله تحلیل واریانس و ضریب همبستگی، تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات سبک زندگی زنان در مناطق مختلف، تفاوت معناداری دارد؛ به‌گونه‌ای که میانگین سبک زندگی در شمال تهران ۴/۵ و در جنوب تهران ۳/۸ به دست آمد (سطح معناداری: ۰/۰۲۱). همچنین، نتایج تحلیل واریانس، وجود تفاوت معنادار میان مناطق را تأیید کرد (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵). افزون بر این، میان دسترسی به فضاهای عمومی و مشارکت اجتماعی زنان، رابطه‌ای مثبت و معنادار مشاهده شد (ضریب همبستگی: ۰/۶۸). این نتایج بیانگر آن است که کیفیت فضا و میزان امنیت محیط شهری، تأثیر بسزایی در ارتقاء مشارکت اجتماعی، فعالیت فرهنگی و بهبود سبک زندگی زنان تهرانی دارد.

واژگان کلیدی: فضاهای شهری اسلامی، سبک زندگی زنان، مشارکت اجتماعی، امنیت فضاهای عمومی، تهران

Doi: 10.22034/jl.2025.515761.1750

۱. استادیار و پژوهشگر پسادکتری طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. «نویسنده مسئول»
al.zeynaly@gmail.com

۲. استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران.
farzadzarbakhsh@aui.ac.ir

۳. استادیار مجتمع آموزش عالی میناب، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
mojtabasalimi@hormozgan.ac.ir

مقدمه

در دنیای امروز، هم‌زمان با رشد شتابان شهرنشینی و گسترش فضاهای شهری، توجه به تأثیر این فضاها بر رفتار و سبک زندگی افراد، به‌ویژه زنان، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است (چن^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). فضاهای شهری به محیط‌هایی اطلاق می‌شود که ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی روان‌شناختی زندگی افراد در آن‌ها جریان دارد. این فضاها شامل خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها، مراکز تجاری و فرهنگی و فضاهای مسکونی - به‌طور مستقیم بر نوع زندگی افراد تأثیر می‌گذارند (لی^۲، ۲۰۲۴).

در این میان، زنان، به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه، به دلیل ویژگی‌ها و نیازهای خاص خود، بیش از سایر گروه‌ها از کیفیت طراحی و وضعیت فضاهای شهری تأثیر می‌پذیرند. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سبک زندگی زنان، دسترسی به فضاهای عمومی و میزان امنیت آن‌ها است (زینالی عظیم، ۱۴۰۳). به‌طور خاص، زنان در جوامع شهری، به دلیل چالش‌هایی همچون کمبود فضاهای امن، مسائل فرهنگی و اجتماعی و دسترسی ناکافی به امکانات عمومی، با محدودیت‌هایی در مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند. از سوی دیگر، با توجه به تأکید آموزه‌های اسلامی بر مشارکت فعال زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، طراحی و توسعه فضاهای شهری باید به‌گونه‌ای باشد که امنیت، رفاه و زمینه‌های مشارکت اجتماعی آنان را فراهم سازد (عشایری و همکاران، ۱۴۰۲).

شهر تهران، به‌عنوان پایتخت ایران با بیش از هشت میلیون نفر جمعیت، با چالش‌های متعددی در زمینه طراحی فضاهای شهری و تأثیر آن‌ها بر سبک زندگی ساکنان، به‌ویژه زنان، مواجه است. با وجود توسعه زیرساخت‌ها و گسترش فضاهای عمومی در مناطق مختلف شهر، همچنان بسیاری از زنان با مشکلاتی نظیر کمبود فضاهای امن و مناسب برای تفریح، ورزش و تعاملات اجتماعی روبه‌رو هستند.

فضاهای شهری موجود، به‌ویژه در مناطق جنوبی و حاشیه‌ای تهران، با چالش‌هایی همچون روشنایی ناکافی، امنیت پایین و دسترسی محدود به خدمات اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند. این کاستی‌ها نه تنها بر میزان مشارکت اجتماعی زنان تأثیر منفی می‌گذارند، بلکه بهره‌مندی کامل آنان از حقوق و امکانات موجود در فضای شهری را نیز با محدودیت مواجه

1. Chen

2. Li

می‌سازند. از سوی دیگر، طراحی نامناسب فضاهای شهری که در آن به نیازهای خاص زنان توجه کافی نشده، ممکن است باعث کاهش کیفیت زندگی آن‌ها شود و فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی را از آن‌ها بگیرد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، پرسش اصلی پژوهش چنین مطرح می‌شود: فضاهای شهری تا چه اندازه بر سبک زندگی زنان در مناطق شمال، مرکز و جنوب شهر تهران تأثیرگذارند؟ برای پاسخ به این سؤال اصلی، سه پرسش فرعی زیر تدوین شده است:

۱. دسترسی به فضاهای عمومی چه تأثیری بر سبک زندگی زنان در مناطق مختلف شهر تهران دارد؟

۲. احساس امنیت در فضاهای شهری چگونه بر کیفیت سبک زندگی زنان اثر می‌گذارد؟

۳. امکانات تفریحی و فرهنگی موجود در فضاهای شهری چه نقشی در شکل‌گیری و تحول سبک زندگی زنان ایفا می‌کنند؟

۱) پیشینه تحقیق

در راستای تدوین پیشینه این پژوهش، منابع علمی معتبر داخلی و بین‌المللی از طریق پایگاه‌های استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، ایرانداک، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگ ایران و نیز پایگاه‌های ScienceDirect، Scopus و Springer جست‌وجو شد. این جست‌وجو با استفاده از کلیدواژه‌هایی همچون «فضای شهری»، «امنیت زنان»، «سبک زندگی زنان»، «طراحی شهری جنسیت‌گرا»، «تجربه زنان از فضاهای عمومی» و «عدالت جنسیتی در فضاهای شهری» انجام گرفت.

تمرکز این جست‌وجو بر مطالعات منتشرشده از سال ۱۳۹۷ به بعد در ایران و از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ در سطح بین‌المللی بوده است. در این میان، زیسک^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل کاهنده امنیت و آسایش زنان در فضاهای عمومی شهری» نشان داد که عواملی همچون روشنایی ناکافی، کمبود مبلمان شهری مناسب، فقدان فضای سبز و نبود امکانات خدماتی، از جمله سرویس‌های بهداشتی، نقش مؤثری در کاهش احساس امنیت و کیفیت سبک زندگی زنان دارند. یافته‌های این پژوهش بر ضرورت طراحی فضاهای شهری متناسب با نیازهای زنان و تأمین آسایش آنان تأکید دارد. با این حال، این مطالعه صرفاً بر ابعاد

کالبدی متمرکز بوده و از عوامل اجتماعی و ذهنی مؤثر بر سبک زندگی بازمانده است. تفاوت با پژوهش حاضر: درحالی که مطالعه زیسک بر عوامل کالبدی و عناصر محیطی متمرکز است، پژوهش حاضر رابطه ابعاد اجتماعی، ادراکی و کیفیت محیطی را با سبک زندگی زنان به صورت ساختاری بررسی می کند.

چارافی^۱ (۲۰۲۳) نیز در مطالعه ای تطبیقی درباره جریان سازی جنسیتی در سیاست های شهری اسپانیا و اتریش به این نتیجه رسید که اگرچه در اسناد شهری به رویکردهای جنسیت محور توجه شده، اجرای اصول تقاطع مندی با کاستی هایی مواجه است و نادیده گرفتن تفاوت هایی مانند طبقه اجتماعی، قومیت و موقعیت اقتصادی، اثربخشی این سیاست ها را کاهش می دهد. این مطالعه بر ابعاد نهادی و سیاست گذاری متمرکز بوده و تأثیرات عینی فضاهای شهری بر سبک زندگی روزمره زنان را بررسی نکرده است. تفاوت با پژوهش حاضر: پژوهش چارافی بر تحلیل سیاست ها و اسناد رسمی تمرکز دارد، درحالی که پژوهش حاضر، با رویکردی کاربردی و بومی، شرایط عینی فضاهای شهری و تأثیر آن ها بر سبک زندگی زنان در ایران را بررسی می کند.

صادقی و جنگجو^۲ (۲۰۲۲) در مقاله ای با عنوان «ترجیحات زنان و فضاهای شهری» دریافتند که ویژگی هایی مانند تنوع کاربری، وجود سایه، امکان نشستن و دسترسی به پارکینگ عمومی با احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی پیوند دارد. بااین حال، این پژوهش صرفاً به رابطه کالبدی و حضور فیزیکی توجه کرده و موضوع سبک زندگی به عنوان مفهومی چندبعدی مغفول مانده است. تفاوت با پژوهش حاضر: درحالی که این پژوهش بیشتر بر ویژگی های کالبدی تأکید دارد، پژوهش حاضر، افزون بر عوامل کالبدی، رابطه سبک زندگی با ابعاد ذهنی و اجتماعی فضای شهری را نیز بررسی می کند.

حسینی و خوش کلام (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی کیفی، تجربه زنان از فضاهای ناامن شهری را بررسی کرده و بر اهمیت احساس امنیت، در کنار امنیت فیزیکی، برای مشارکت اجتماعی زنان تأکید کرده اند. این پژوهش، با وجود اهمیت تجربی، فاقد رویکردی تحلیلی - ساختاری در مقیاس شهری بوده و نقش طراحی و کیفیت محیطی را به صورت نظام مند بررسی نکرده است. تفاوت با پژوهش حاضر: پژوهش حسینی و خوش کلام بر تجربه زیسته زنان از فضاهای

1. Charafi

2. Sadeghi & Jangjoo

خاص متمرکز است، درحالی که پژوهش حاضر در پی ارائه مدلی مفهومی برای ارتقای سبک زندگی زنان در کل فضاهای شهری با تکیه بر شاخص‌های قابل سنجش است.

در پژوهشی دیگر، رومیانی و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی رابطه میان پیوند مکانی و سبک زندگی زنان در سکونتگاه‌های پیراشهری شهرستان سلسله، دریافتند که مؤلفه‌هایی مانند مدگرایی، مصرف‌گرایی و تعلق مکانی بر سبک زندگی زنان تأثیرگذارند. با وجود اهمیت این یافته‌ها، تمرکز این پژوهش بر زمینه‌های فرهنگی سکونتگاه‌های حاشیه‌ای بوده و با فضاهای عمومی شهری که موضوع اصلی پژوهش حاضر است، تفاوت دارد. تفاوت با پژوهش حاضر: پژوهش رومیانی و همکاران بر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی سکونتگاه‌های حاشیه‌ای متمرکز است، درحالی که پژوهش حاضر رابطه امنیت، کیفیت محیط و فضاهای شهری را با سبک زندگی زنان بررسی می‌کند.

به طور کلی، بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هر یک از آن‌ها تنها بر یکی از ابعاد فضای شهری، امنیت یا سبک زندگی تمرکز داشته‌اند و تاکنون پژوهشی که این سه حوزه را به صورت هم‌زمان و در قالب یک مدل مفهومی بومی و قابل سنجش بررسی کند، صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکردی ترکیبی، در پی تحلیل ساختاری رابطه میان ابعاد کالبدی، اجتماعی، ادراکی و محیطی فضای شهری با کیفیت و سبک زندگی زنان بوده و با تمرکز بر شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران، درصدد تدوین مدلی مفهومی برای ارتقای سبک زندگی زنان در فضاهای شهری است. این ویژگی، وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر از مطالعات پیشین به شمار می‌آید.

۲) مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری این پژوهش بر تعامل میان فضاهای شهری و سبک زندگی زنان، با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، استوار است. در این چارچوب، مفاهیمی چون امنیت، مشارکت اجتماعی، عدالت فضایی و طراحی متناسب با نیازهای زنان، در پنج بخش اصلی بررسی می‌شوند.

۱) **سبک زندگی زنان در نگرش اسلامی:** در این نگرش، سبک زندگی زنان باید در بستری مبتنی بر عدالت، امنیت، آرامش روانی و مشارکت اجتماعی شکل گیرد. از این منظر، فضاهای شهری، در صورتی که بر اساس ارزش‌های دینی و اجتماعی طراحی شوند، می‌توانند نقشی مؤثر در تقویت این سبک زندگی ایفا کنند (کافی، ۱۴۰۳، زینالی عظیم و همکاران، ۱۴۰۳). چنین

فضاهایی باید ضمن تأمین کارکردهای شهری، زمینه حفظ کرامت انسانی، تقویت اخلاق اجتماعی و رشد فردی را نیز فراهم آورند (عابدی جعفری و صالحیان، ۱۴۰۳).

۲) نقش کالبد فضاهای شهری در سبک زندگی: فضاهای شهری مجموعه‌ای از مکان‌های عمومی هستند که کیفیت طراحی آن‌ها بر رفتار و هویت اجتماعی زنان تأثیرگذار است. عوامل کالبدی همچون نوع کاربری، دسترسی، زیبایی و نظم فضایی، در شکل‌گیری سبک زندگی شهری نقش مؤثری دارند (کاررا و کاستلانتا، ۲۰۲۳). از دیدگاه اسلامی نیز، بر تأمین عدالت فضایی و دسترسی برابر همه شهروندان، ازجمله زنان، به امکانات شهری تأکید شده است (دهقان و زارعی، ۱۴۰۳، جعفرزاده و پاک منش، ۱۴۰۳، پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

۳) امنیت شهری و تأثیر آن بر رفتار زنان: احساس امنیت در فضاهای عمومی، پیش شرطی اساسی برای حضور و مشارکت اجتماعی زنان است. در مقابل، ناامنی می‌تواند به انزوا، محدودیت تحرک و شکل‌گیری سبک زندگی منفعل بینجامد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۹، مارتینز کاپاروس، ۲۰۲۴). آموزه‌های دینی نیز بر ضرورت تأمین امنیت و رفاه اجتماعی، به منظور فراهم‌سازی زمینه رشد فردی و اجتماعی، تأکید دارند (موسوی و شریعت‌پناهی، ۱۳۹۸).

۴) فضاهای فرهنگی و اجتماعی و مشارکت زنان: دسترسی به فضاهای فرهنگی و اجتماعی، مانند پارک‌ها، مراکز هنری و کتابخانه‌ها، نقش مهمی در افزایش تعاملات اجتماعی و رشد فردی زنان دارد (فرحزاد و همکاران، ۱۳۹۷، جلال‌کمالی^۴ و دوراتلی، ۲۰۲۲^۵، کاررا، ۲۰۲۲ الف). در آموزه‌های اسلامی نیز، فرهنگ، علم و آموزش برای زنان، همانند مردان، ضرورتی اساسی تلقی شده است (عزیزی و پیرکا، ۱۴۰۲، دباغی و بهاری، ۱۴۰۳).

۵) طراحی فضاهای شهری بر اساس اصول اسلامی: طراحی فضاهای شهری باید بر اساس اصول اسلامی مانند امنیت، کرامت، عدالت و حریم خصوصی انجام شود تا زنان بتوانند در محیطی ایمن، آزاد و انسانی زندگی و مشارکت کنند (ثقه‌الاسلامی و مستوفی، ۱۴۰۰). این اصول در قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته و بر ایجاد فضاهایی برای رفاه و رشد اجتماعی انسان‌ها صبحه گذاشته شده است.

1. Carrera

2. Castellana

3. Martínez Caparrós

4. Jalalkamali

5. Doratli

۳) نظریه‌ها و تدوین فرضیه‌ها

در راستای تبیین علمی ارتباط میان متغیرهای دسترسی، امنیت و سبک زندگی زنان در فضاهای شهری، می‌توان از سه چارچوب نظری معتبر بهره گرفت. این چارچوب‌ها در ادبیات مطالعات شهری، جامعه‌شناسی فضا و مطالعات جنسیت، کاربرد گسترده‌ای دارند.

نخست، نظریه کنش متقابل نمادین که از دیدگاه بلومر و گافمن نشئت گرفته است، بر اهمیت فضاهای عمومی در شکل‌گیری هویت و رفتار اجتماعی تأکید دارد. بر اساس این نظریه، افراد از طریق تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی، معنا و ساختار زندگی روزمره خود را شکل می‌دهند (گافمن، ۱۹۵۹). از این رو، دسترسی زنان به فضاهای عمومی، زمینه‌ای را بروز کنش‌های اجتماعی، شکل‌گیری سبک زندگی و بازتعریف نقش اجتماعی آن‌ها فراهم می‌آورد.

دوم، نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز بر رابطه میان ساختارهای فضایی و عاملیت اجتماعی تأکید دارد. بر اساس این نظریه، ساختارهای شهری، مانند امنیت و طراحی فضا، می‌توانند به طور هم‌زمان نقش محدودکننده و توانمندساز ایفا کنند (گیدنز، ۱۹۸۴). از این منظر، طراحی فضاهای امن و در دسترس، عاملیت زنان را در جامعه تقویت می‌کند. در نتیجه، زمینه مشارکت بیشتر آنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌شود.

سوم، نظریه سبک زندگی بوردیو، سبک زندگی را حاصل «ذائقه فرهنگی» و «منابع در دسترس» می‌داند. از منظر بوردیو، فضاهایی که دسترسی بیشتری به امکانات فرهنگی و تفریحی دارند، زمینه بازتولید سبک زندگی فعال و فرهنگی را بیشتر فراهم می‌کنند (بوردیو، ۱۹۸۴). بر این اساس، زنان در مناطقی با دسترسی بیشتر به فضاهای شهری و فرهنگی، از سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی پویاتری برخوردار خواهند بود.

با تلفیق این دیدگاه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای ساختاری فضا، مانند امنیت و دسترسی، نقش کلیدی در شکل‌گیری سبک زندگی زنان ایفا می‌کنند. از این رو، این متغیرها باید در تحلیل‌های برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی لحاظ شوند. بر اساس مبانی نظری و پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

1. Goffman

2. Giddens

3. Bourdieu

فرضیه اول) بین میزان دسترسی زنان به فضاهای عمومی شهری و سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم) بین احساس امنیت زنان در فضاهای شهری و سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم) بین میزان دسترسی زنان به امکانات تفریحی و فرهنگی و سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان، رابطه معناداری وجود دارد.

۴) روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است؛ و با رویکردی کمی، تأثیر فضاهای شهری بر سبک زندگی زنان در شهر تهران را بررسی می‌کند. جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی زنان ۱۸ تا ۶۰ ساله ساکن در سه منطقه شمال، مرکز و جنوب تهران است. برای انتخاب نمونه‌ها، ابتدا مناطق بر اساس موقعیت جغرافیایی و تنوع اجتماعی-اقتصادی طبقه‌بندی شدند. سپس، از هر منطقه، نمونه‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شدند تا نمایندگی مناسبی از اقشار مختلف زنان شهری فراهم شود.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۱ برای جوامع نامحدود محاسبه شد. بر این اساس، با سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای تصادفی انجام گرفت. داده‌ها نیز با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته گردآوری شدند که بر پایه پیشینه پژوهش و مبانی نظری طراحی و تدوین شده است.

پرسش‌نامه نهایی در پنج بخش تنظیم شد:

۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، اشتغال و محل سکونت)؛

۲. سنجش میزان دسترسی به فضاهای عمومی (پارک‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها، مراکز خرید و فضاهای باز)؛

۳. ارزیابی احساس امنیت در فضاهای شهری (امنیت فیزیکی، امنیت روانی، نورپردازی، نظارت اجتماعی و امنیت شبانه)؛

۴. ارزیابی میزان دسترسی به امکانات تفریحی و فرهنگی (سینما، سالن‌های ورزشی، کتابخانه‌ها، کافه‌ها و مراکز هنری)؛

۵. بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان (میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، تفریحی، فرهنگی، تعاملات اجتماعی و رضایت از زندگی شهری). برای سنجش روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه، از دیدگاه متخصصان حوزه‌های جامعه‌شناسی، برنامه‌ریزی شهری و مطالعات زنان استفاده شد. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۱ ارزیابی و تأیید شد؛ به‌گونه‌ای که مقدار این ضریب برای تمامی متغیرها بیش از ۷۰ درصد بود.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد. در بخش توصیفی، از شاخص‌هایی مانند میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در بخش استنباطی، برای بررسی فرضیه‌ها و روابط میان متغیرها، از آزمون t مستقل^۲، تحلیل واریانس یک طرفه^۳ و آزمون کای دو^۴ استفاده شد.

جدول ۱. شاخص‌های مورد بررسی تحقیق

مؤلفه	شاخص	زیرشاخص
دسترسی به فضاهای عمومی	نوع فضاهای عمومی	پارک‌ها
		میدان‌ها و خیابان‌های عمومی
		مراکز خرید و تفریحی
	میزان دسترسی زنان به فضاهای عمومی	دسترسی راحت به فضاهای عمومی مشکلات دسترسی به فضاهای عمومی (ترافیک، فاصله)
امنیت فضاهای شهری	احساس امنیت	امنیت فیزیکی (کاهش خطرات امنیتی)
		امنیت روانی (احساس راحتی و آرامش)
	نظارت و کنترل	وجود پلیس یا نظارت‌های عمومی
		نورپردازی مناسب و محیط امن در شب

1. Cronbach's alpha

2. Independent t-test

3. One-way ANOVA

4. Chi-square

مؤلفه	شاخص	زیرشاخص
امکانات تفریحی و فرهنگی	وجود امکانات تفریحی	سالن های ورزشی، سینماها، کافه ها
		فضاهای باز برای تفریح و ورزش
	دسترسی به مراکز فرهنگی	کتابخانه ها، مراکز هنری
		دسترسی به کلاس های آموزشی و فرهنگی

منبع. مطالعات کتابخانه ای نگارندگان، ۱۴۰۴

(۵) یافته ها

تحلیل کمی این پژوهش بر بررسی داده های حاصل از پرسش نامه ها و شاخص های آمار توصیفی استوار است. این بخش از تحلیل، ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان، توزیع پاسخ ها و دیدگاه آنان درباره فضاهای شهری و تأثیر آن بر سبک زندگی زنان را بررسی می کند. با توجه به حجم نمونه ۳۸۴ نفر، پاسخ دهندگان به طور مناسب میان مناطق مختلف تهران توزیع شدند. سپس، تحلیل های مربوط به دسترسی به فضاهای عمومی، امنیت، امکانات تفریحی و فرهنگی، مشارکت اجتماعی و سبک زندگی زنان انجام شد. در این بخش، ابتدا آمار توصیفی ویژگی های جمعیت شناختی و دیدگاه های پاسخ دهندگان درباره فضاهای شهری ارائه می شود. در ادامه، بر اساس این داده ها، تحلیل های آماری لازم انجام می شود. در این بخش، ابتدا آمار توصیفی ویژگی های جمعیت شناختی و پاسخ های مشارکت کنندگان ارائه می شود. سپس، بر پایه این داده ها، تحلیل های آماری لازم انجام می گیرد.

الف) آمار توصیفی پاسخ دهندگان

جدول ۲. آمار توصیفی پاسخ دهندگان بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی

ویژگی جمعیت شناختی	تعداد نمونه	درصد
سن		
سن (۱۸-۳۰ سال)	۱۲۸	33.3
سن (۳۱-۴۵ سال)	۱۳۰	33.9
سن (۴۶-۶۰ سال)	۱۲۶	32.8
سطح تحصیلات		
دیپلم و زیر دیپلم	۵۰	13.0

ویژگی جمعیت شناختی	تعداد نمونه	درصد
فوق دیپلم	۸۰	20.8
کارشناسی و بالاتر	۲۵۴	66.2
وضعیت شغلی		
شاغل	۲۳۸	62.0
غیر شاغل	۱۴۶	38.0
منطقه سکونت		
شمال تهران	۱۲۸	33.3
جنوب تهران	۱۲۸	33.3
مرکز تهران	۱۲۸	33.3

بر اساس جدول ۲، در مجموع ۳۸۴ نفر از زنان ساکن در سه محدوده شمال، مرکز و جنوب تهران در این پژوهش مشارکت کردند. توزیع سنی پاسخ دهندگان نسبتاً متوازن است. به گونه ای که ۳۳٫۳ درصد در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، ۳۳٫۹ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۵ سال و ۳۲٫۸ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال قرار دارند. از نظر سطح تحصیلات، ۶۶٫۲ درصد از پاسخ دهندگان دارای مدرک کارشناسی و بالاتر هستند که بیانگر سطح تحصیلات نسبتاً بالای زنان شرکت کننده در پژوهش است. همچنین، زنان شاغل ۶۲ درصد از حجم نمونه را تشکیل می دهند که نشان دهنده مشارکت بالای زنان در بازار کار است. این داده ها امکان تحلیل دقیق تر تأثیر فضاهای شهری بر سبک زندگی زنان در سطوح مختلف تحصیلی و شغلی را فراهم می کند. از نظر جغرافیایی نیز، توزیع نمونه به صورت مساوی میان سه منطقه تهران انجام شده است؛ به طوری که از هر یک از مناطق شمال، مرکز و جنوب تهران، ۱۲۸ نفر در پژوهش شرکت کرده اند.

ب) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

جدول ۳. آمار توصیفی شاخص ها و زیرشاخص ها

گویه ها	میانگین	انحراف معیار	درصد
پارک ها	۴.۳	۰.۷	۸۰
میدان ها و خیابان های عمومی	۴.۰	۰.۶	۷۵

گوپه ها	میانگین	انحراف معیار	درصد
مراکز خرید و تفریحی	۳.۸	۰.۸	۷۰
دسترسی راحت به فضاهای عمومی	۴.۲	۰.۷	۸۵
مشکلات دسترسی به فضاهای عمومی (ترافیک، فاصله)	۲.۵	۱.۲	۵۰
امنیت فیزیکی (کاهش خطرات امنیتی)	۴.۱	۰.۷	۷۸
امنیت روانی (احساس راحتی و آرامش)	۳.۹	۰.۸	۷۵
وجود پلیس یا نظارت های عمومی	۴.۰	۰.۶	۸۲
نورپردازی مناسب و محیط امن در شب	۳.۸	۰.۹	۷۰
سالن های ورزشی، سینماها، کافه ها	۳.۷	۰.۸	۶۸
فضاهای باز برای تفریح و ورزش	۴.۲	۰.۶	۸۵
کتابخانه ها، مراکز هنری	۳.۶	۰.۷	۶۵
دسترسی به کلاس های آموزشی و فرهنگی	۳.۵	۰.۸	۶۰

بر اساس نتایج جدول ۳، تفاوت هایی میان مناطق مختلف تهران در سه بُعد اصلی دسترسی به فضاهای عمومی، امنیت شهری و امکانات تفریحی و فرهنگی مشاهده می شود. میانگین دسترسی به پارک ها (۳/۴) و فضاهای باز ورزشی (۴/۲) در وضعیت مطلوب تری قرار دارد. در مقابل، میانگین دسترسی به مراکز خرید (۳/۸) و میدان ها (۴/۰) نسبتاً محدود است. مشکلاتی مانند ترافیک و فاصله زیاد نیز با میانگین پایین ۲.۵ گزارش شده است.

در بُعد امنیت، احساس امنیت فیزیکی با میانگین ۱/۴، بالاتر از احساس امنیت روانی با میانگین ۳/۹ ارزیابی شده است. همچنین، وجود پلیس و نظارت عمومی، با میانگین ۴/۰، بیانگر ارزیابی مطلوب پاسخ دهندگان از اثربخشی این عوامل است. با این حال، امنیت شبانه، با میانگین ۳/۸، همچنان یکی از چالش های موجود به شمار می آید. در بُعد امکانات فرهنگی و تفریحی، فضاهای باز با میانگین ۴/۲، در دسترس تر و مطلوب تر ارزیابی شده اند. در مقابل، دسترسی به سینما، سالن های ورزشی و کافه ها با میانگین ۳/۷ در سطح متوسط قرار دارد و کتابخانه ها و مراکز هنری، با میانگین ۳/۵ تا ۳/۶، از وضعیت نامطلوب تری برخوردارند. این یافته ها مبنایی برای تحلیل های استنباطی و سیاست گذاری در جهت بهبود شرایط فضاهای شهری برای زنان فراهم می سازد.

ج) آمار استنباطی تحقیق

آزمون تحلیل واریانس^۱

برای مقایسه میانگین‌ها در سه گروه شامل مناطق شمال، مرکز و جنوب تهران، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. این آزمون با هدف بررسی وجود تفاوت معنادار در میانگین‌های دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت و امکانات تفریحی و فرهنگی انجام گرفت؛ متغیرهایی که بر سبک زندگی زنان تأثیر مستقیم دارند.

جدول ۴. آمار توصیفی برای شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها

منطقه سکونت	میانگین دسترسی به فضاهای عمومی	میانگین احساس امنیت	میانگین امکانات تفریحی و فرهنگی	میانگین سبک زندگی زنان
شمال تهران	۴٫۲	۴٫۱	۴٫۰	۴٫۲
جنوب تهران	۳٫۶	۳٫۴	۳٫۵	۳٫۶
مرکز تهران	۳٫۹	۳٫۷	۳٫۸	۳٫۹

آزمون تحلیل واریانس در این پژوهش به منظور مقایسه میانگین‌ها و بررسی تفاوت‌های معنادار میان زنان ساکن در مناطق شمال، مرکز و جنوب تهران انجام شد. در این آزمون، سه متغیر اصلی، شامل دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت و امکانات تفریحی و فرهنگی، بررسی شد تا تأثیر این عوامل بر سبک زندگی زنان ارزیابی شود. طبق این تحلیل‌ها، فضاهای شهری، نه تنها بر سبک زندگی اجتماعی زنان، بلکه بر سبک زندگی فرهنگی و تفریحی آنان نیز تأثیرات عمیقی دارند.

دسترسی به فضاهای عمومی و تأثیر آن بر سبک زندگی زنان

نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که در شمال تهران، میانگین دسترسی به فضاهای عمومی ۴٫۲ است که در مقایسه با مناطق مرکز و جنوب تهران، بالاتر است. این سطح از دسترسی، امکان مشارکت فعال‌تر زنان در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند. در نتیجه، کیفیت سبک زندگی اجتماعی آنان بهبود می‌یابد؛ زیرا از فرصت‌های بیشتری برای تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های تفریحی و ورزش برخوردار هستند. در مقابل، میانگین

دسترسی به فضاهای عمومی در جنوب تهران ۳٫۶ است. این یافته نشان دهنده محدودیت دسترسی زنان به فضاهای عمومی مناسب در این منطقه است. این دسترسی محدود به فضاهای عمومی، مشارکت اجتماعی زنان در فعالیتهای خارج از خانه را کاهش می دهد. در نتیجه، سبک زندگی اجتماعی آنان نیز محدودتر می شود. همچنین، در مناطقی که زنان از دسترسی کمتری به فضاهای عمومی برخوردارند، فرصتهای کمتری برای مشارکت در فعالیتهای تفریحی و اجتماعی وجود دارد. این وضعیت، به کاهش کیفیت سبک زندگی اجتماعی آنان منجر می شود.

در این زمینه، باید توجه داشت که دسترسی به فضاهای عمومی، نه تنها امکان مشارکت زنان در فعالیتهای روزمره اجتماعی را فراهم می کند، بلکه به طور مستقیم بر سلامت روانی و اجتماعی آنان نیز تأثیر می گذارد. از این رو، فضاهای شهری باید به گونه ای طراحی شوند که از زنان در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی حمایت کنند. چنین طراحی ای، به ویژه در مناطقی که دسترسی به این فضاها محدود است، می تواند به ارتقای سبک زندگی اجتماعی زنان در همه مناطق شهر کمک کند.

احساس امنیت و تأثیر آن بر سبک زندگی زنان

یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر سبک زندگی زنان، احساس امنیت است. بنابر نتایج آزمون تحلیل واریانس، میانگین احساس امنیت در شمال تهران، با مقدار ۴٫۱، از سایر مناطق بالاتر است. این وضعیت، زمینه حضور بیشتر زنان در فضاهای عمومی و مشارکت فعال تر آنان در فعالیتهای اجتماعی را فراهم می کند. در این مناطق، وجود نظارت عمومی، نورپردازی مناسب و امنیت فیزیکی، احساس راحتی بیشتری را برای زنان ایجاد می کند. در نتیجه، سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان ارتقا می یابد.

در جنوب تهران، میانگین احساس امنیت ۳٫۴ است که بیانگر وجود چالش هایی در این زمینه است. کمبود امنیت فیزیکی و روانی، زنان را از بهره گیری کامل از فضاهای عمومی در این مناطق باز می دارد. در نتیجه، آنان بیشتر در خانه می مانند و در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی محدودتری شرکت می کنند. این وضعیت، نشان دهنده تأثیر منفی احساس ناامنی بر سبک زندگی اجتماعی زنان است. پیامد این امر، کاهش مشارکت اجتماعی و در نهایت افت کیفیت زندگی زنان در این مناطق خواهد بود.

این مسئله، به ویژه از منظر روان شناختی، اهمیت دارد؛ زیرا احساس امنیت پایین می تواند

بر سلامت روانی زنان تأثیر منفی بگذارد. همچنین، این وضعیت ممکن است به شکل‌گیری سبک زندگی منزوی بینجامد. از این رو، تأمین امنیت فضاهای شهری و تقویت احساس امنیت زنان در همه مناطق شهری، به ویژه در مناطقی که احساس ناامنی بیشتر است، ضرورتی اساسی دارد.

امکانات تفریحی و فرهنگی و تأثیر آن بر سبک زندگی زنان

در این پژوهش، نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که میانگین دسترسی به امکانات تفریحی و فرهنگی، مانند سالن‌های ورزشی، سینماها و مراکز هنری، در شمال تهران ۴۰٪ و بالاتر از جنوب تهران با میانگین ۳۰٫۵٪ است. این تفاوت، بر سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان تأثیر می‌گذارد و میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان ساکن در مناطق برخوردارتر، به دلیل دسترسی بیشتر به فضاهای عمومی و برخورداری از امنیت بالاتر، کیفیت زندگی اجتماعی مطلوب‌تری دارند. در مقابل، زنانی که در مناطق کمتر برخوردار زندگی می‌کنند، به دلیل محدودیت در دسترسی به این امکانات، سبک زندگی اجتماعی محدودتری را تجربه می‌کنند. بر این اساس، طراحی و مدیریت فضاهای شهری باید با تأکید بر عدالت فضایی، تأمین امنیت و ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی، زمینه بهبود سبک زندگی زنان را در همه مناطق شهری فراهم کند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که میزان دسترسی به فضاهای عمومی در مناطق مختلف تهران، به طور معناداری، متفاوت است و با سبک زندگی زنان رابطه مستقیم دارد. بر این اساس، فرضیه نخست پژوهش تأیید می‌شود.

۶) آزمون تی (t)

برای مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل، شامل زنان شاغل و غیرشاغل، از آزمون (t) استفاده شد. این آزمون برای مقایسه میانگین‌های دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت، امکانات تفریحی و فرهنگی و در نهایت سبک زندگی زنان در دو گروه انجام گرفت. هدف از اجرای این آزمون، بررسی تفاوت‌های معنادار میان زنان شاغل و غیرشاغل در این متغیرها بود. نتایج آزمون به شرح زیر ارائه می‌شود.

جدول ۵. آزمون t برای زنان شاغل و غیر شاغل در سبک زندگی

متغیر	زنان شاغل (میانگین)	زنان غیر شاغل (میانگین)	t-value	p-value
دسترسی به فضاهای عمومی	۴,۳	۳,۸	۴,۵۳	۰,۰۰۱
احساس امنیت	۴,۲	۳,۶	۴,۱۲	۰,۰۰۲
امکانات تفریحی و فرهنگی	۴,۱	۳,۷	۳,۹۸	۰,۰۰۳
سبک زندگی زنان	۴,۳	۳,۸	۵,۲۲	۰,۰۰۰۱

طبق نتایج آزمون t در جدول ۵، وضعیت شغلی زنان، بر متغیرهای دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت، امکانات تفریحی و فرهنگی و سبک زندگی، تأثیر معناداری دارد. زنان شاغل، در مقایسه با زنان غیرشاغل، در تمامی این شاخص ها میانگین بالاتری دارند که بیانگر سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی فعال تر آنان است. بر اساس نتایج، میانگین دسترسی به فضاهای عمومی در میان زنان شاغل ۴,۳ و در میان زنان غیرشاغل ۳,۸ است. این تفاوت از نظر آماری معنادار است (آزمون t برابر با ۴,۵۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۱). احساس امنیت در میان زنان شاغل ۴,۲ و در میان زنان غیرشاغل ۳,۶ است (آزمون t برابر با ۴,۱۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۲). در زمینه امکانات تفریحی و فرهنگی، میانگین زنان شاغل ۴,۱ و میانگین زنان غیرشاغل ۳,۷ بوده است (آزمون t برابر با ۳,۹۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۳). همچنین، میانگین سبک زندگی در میان زنان شاغل ۴,۳ و در میان زنان غیرشاغل ۳,۸ است که نشانگر وضعیت مطلوب تر زنان شاغل در این شاخص است (آزمون t برابر با ۵,۲۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۱).

این نتایج نشان می دهد که اشتغال زنان، از طریق بهبود دسترسی به فضاهای عمومی، افزایش احساس امنیت و بهره مندی بیشتر از امکانات فرهنگی و تفریحی، به ارتقای کیفیت سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان منجر می شود. بر این اساس، سیاست گذاری شهری باید با تأکید بر عدالت فضایی و جنسیتی، زمینه ارتقای مشارکت اجتماعی همه زنان، به ویژه زنان غیرشاغل را فراهم کند. نتایج حاصل از مقایسه میانگین ها بیانگر آن است که احساس امنیت، به ویژه در مناطق شمالی تهران و در میان زنان شاغل، موجب ارتقای سطح مشارکت اجتماعی و کیفیت سبک زندگی آنان می شود. این یافته ها، فرضیه دوم پژوهش را تأیید می کند.

۷) تحلیل نتایج آزمون کای دو

آزمون کای دو برای بررسی رابطه معنادار میان متغیرهای دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت، امکانات تفریحی و فرهنگی و سبک زندگی زنان به کار رفت. بر اساس نتایج جدول ۶، در هر چهار متغیر، آزمون کای دو وجود رابطه معنادار را نشان می‌دهد. این یافته‌ها بیانگر آن است که این متغیرها تأثیری مستقیم بر سبک زندگی زنان دارند.

جدول ۶. توزیع فراوانی داده‌ها برای دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت، امکانات تفریحی و فرهنگی و سبک زندگی زنان

سطح معنی داری (درصد)	سبک زندگی زنان (درصد)	امکانات تفریحی و فرهنگی (درصد)	احساس امنیت (درصد)	دسترسی به فضاهای عمومی (درصد)	دسته بندی ها
۰/۰۰۳	۳۵	۳۰	۲۵	۲۰	بسیار خوب
۰/۰۰۲	۴۲	۴۰	۴۵	۵۰	متوسط
۰/۰۰۱	۲۳	۳۰	۳۰	۳۰	ضعیف

نتایج آزمون‌های کای دو، مطابق جدول ۶، نشان داد که بین دسترسی به فضاهای عمومی و احساس امنیت، رابطه‌ای معنادار وجود دارد (سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۳). همچنین، میان دسترسی به فضاهای عمومی و امکانات تفریحی و فرهنگی نیز رابطه معناداری مشاهده شد (سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۲). نتایج بررسی رابطه میان دسترسی به فضاهای عمومی و سبک زندگی زنان نیز حاکی از وجود رابطه‌ای معنادار است (سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱). این یافته، بیانگر تأثیر مستقیم دسترسی به فضاهای عمومی بر کیفیت سبک زندگی زنان است. علاوه بر این، میان احساس امنیت و دسترسی به امکانات فرهنگی رابطه‌ای معنادار دارد (سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۴) و در نهایت، رابطه احساس امنیت و سبک زندگی زنان نیز معنادار گزارش شده است (سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۲).

این نتایج نشان می‌دهد که زنان برخوردار از دسترسی بیشتر به فضاهای عمومی و احساس امنیت بالاتر، از امکانات فرهنگی بیشتری بهره‌مند هستند و مشارکت فعال‌تری در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دارند. این عوامل، به طور مستقیم، به ارتقای سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان منجر می‌شود و ضرورت توجه به عدالت فضایی و امنیت شهری را در برنامه‌ریزی‌های آتی برجسته می‌کند. همچنین، اختلاف معنادار میان گروه‌های مورد مطالعه

از نظر بهره‌مندی از امکانات فرهنگی و تفریحی، نشان می‌دهد که این عامل نقشی مستقیم در سبک زندگی زنان دارد. بر این اساس، فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که فضاهای شهری، به‌ویژه دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت و برخورداری از امکانات تفریحی و فرهنگی، تأثیری معنادار و مستقیم بر سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان در شهر تهران دارند. یافته‌های کمی نیز نشان داد که زنان شاغل، در مقایسه با زنان غیرشاغل، از دسترسی بیشتر به فضاهای عمومی، احساس امنیت بالاتر و امکانات تفریحی و فرهنگی گسترده‌تری برخوردارند. این تفاوت، به شکل‌گیری سبک زندگی فعال‌تر، مشارکت اجتماعی بیشتر و کیفیت زندگی بالاتر در میان آنان منجر شده است. از سوی دیگر، نتایج آزمون کای دو نیز وجود رابطه‌ای مستقیم میان سطح دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت و میزان مشارکت فرهنگی را تأیید کرد. این روابط در مناطق مختلف شهر نیز مشاهده شد: در شمال تهران، زنان به دلیل کیفیت بالاتر فضاهای شهری، از سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی مطلوب‌تری برخوردار بودند. در مقابل، در جنوب تهران، محدودیت‌های زیرساختی و ضعف امنیت شهری، به انزوای نسبی زنان در فضاهای عمومی انجامیده بود.

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین هم‌سو است. برای نمونه، زیسک (۲۰۲۴) نشان داد که نبود زیرساخت‌های مناسب در فضاهای عمومی، به‌طور مستقیم، احساس امنیت را تضعیف می‌کند و کیفیت زندگی زنان را کاهش می‌دهد. صادقی و جنگجو (۲۰۲۲) نیز بر وجود پیوند میان کیفیت کالبدی فضا و میزان حضور زنان در فضاهای عمومی تأکید کرده‌اند. مطالعه رومیانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان داد که ویژگی‌های محیطی سکونتگاه‌ها، به‌طور مستقیم، بر ابعاد مختلف سبک زندگی زنان، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند مصرف‌گرایی، تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های فراغتی، تأثیرگذار است.

از منظر آموزه‌های اسلامی نیز یافته‌های این پژوهش قابل تحلیل است. سبک زندگی اسلامی زنان بر اصولی چون امنیت، کرامت انسانی، مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های سالم استوار است. از این رو، طراحی فضاهای شهری باید در راستای تقویت این مؤلفه‌ها صورت گیرد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تأمین مؤلفه‌های فضایی متناسب با این ارزش‌ها، می‌تواند مشارکت اجتماعی، سلامت روانی و کیفیت زندگی زنان را به‌طور قابل توجهی ارتقاء بخشد.

در کنار این دستاوردها، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تمرکز مکانی پژوهش بر شهر تهران است که چه بسا تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر شهرها را محدود کند. همچنین، استفاده از ابزار خوداظهاری برای گردآوری داده‌ها، احتمال بروز سوگیری در پاسخ‌ها را افزایش می‌دهد. افزون بر این، تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و ساختاری میان مناطق مختلف تهران نیز می‌تواند بر نتایج پژوهش تأثیرگذار باشد. برای پژوهش‌های آتی، انجام مطالعات تطبیقی در مقیاس ملی یا منطقه‌ای، با بهره‌گیری از رویکردهای ترکیبی و طولی، پیشنهاد می‌شود. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند درک دقیق‌تری از پویایی‌های بلندمدت سبک زندگی زنان در ارتباط با تحولات فضایی-شهری فراهم آورد.

با توجه به تحلیل‌های آماری انجام‌شده در این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که هر سه فرضیه اصلی تحقیق تأیید شده‌اند. به‌طور مشخص، دسترسی به فضاهای عمومی، احساس امنیت و برخورداری از امکانات فرهنگی و تفریحی همگی تأثیرات معناداری بر سبک زندگی زنان دارند. این یافته‌ها، ضمن تأیید چارچوب نظری پژوهش، ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری شهری را با تأکید بر عدالت فضایی و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی برای زنان در مناطق مختلف تهران آشکار می‌سازد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیرارائه می‌شود. نخست، در طراحی و توسعه فضاهای شهری تهران، به‌ویژه در مناطق جنوب و مرکز که دسترسی به فضاهای عمومی محدودتر است، زمینه افزایش دسترسی زنان به فضاهای عمومی مناسب و ایمن فراهم شود. این اقدام، علاوه بر افزایش مشارکت اجتماعی زنان، به ارتقای سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان نیز کمک می‌کند. همچنین، تأمین امنیت فضاهای عمومی و توسعه امکانات تفریحی و فرهنگی برای زنان، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های شهری قرار گیرد. اجرای این اقدامات می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی، آموزشی و دینی را فراهم سازد و در نهایت، به بهبود سبک زندگی اسلامی و اجتماعی آنان بینجامد.

منابع

قرآن کریم

۱. ثقه الاسلامی، عمید الاسلام و مستوفی، آذین. (۱۴۰۰). تحلیل فضاهای شهری بر اساس اصل تعادل در اندیشه اسلامی با در نظر گرفتن نقش کاربری زمین در تأمین نیازهای انسانی، مورد مطالعاتی: شهر مشهد. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۴(۳۴)، ۲۲۱-۲۳۳.
۲. پورمحمدی، محمدرضا، روستایی، شهرپور و کاملی، فر. زهرا. (۱۴۰۳). سنجش میزان تحقق پذیری پیشران‌های شهر اسلامی در شهر تبریز. جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۸(۸۷)، ۱۴۳-۱۶۳.
۳. پورمحمدی، مرضیه، بحرینی، سیدحسین و داودپور، زهره. (۱۳۹۸). شهر اسلامی: تخیل یا واقعیت. دانش شهرسازی، ۳(۲)، ۳۳-۴۷.
۴. جعفرزاده، محمد و پاک‌منش، مریم. (۱۴۰۳). مبانی امنیت فرهنگی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و روایات. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۱(۱)، ۲۶۷-۲۹۰.
۵. حسینی، محمدرضا و خوش‌کلام، نرگس. (۱۳۹۹). سنخ‌شناسی فضاهای ناامن شهری از نگاه زنان (مطالعه موردی: زنان ۱۵-۴۵ سال شهر جاسک). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۰(۳۵)، ۱۱۷-۱۴۸.
۶. حسینی طباطبایی، مهدی و موسوی فرد، زهرا. (۱۴۰۳). تحلیل الگوهای هویتی در طراحی فضاهای شهری مبتنی بر اصول هنر اسلامی. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۲(۲)، ۴۱-۵۶.
۷. دباغی، حمیده و بهاری، مژده. (۱۴۰۳). اولویت‌بندی نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری. توسعه محلی روستایی. شهری، ۱۶(۱)، ۴۳-۵۸.
۸. دهقان، مریم و زارعی، محمدابراهیم. (۱۴۰۳). بازشناسی شهر اسلامی دینور: تصویری از یک شهر فرهنگی. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۴(۴۰)، ۲۸۵-۳۱۴.
۹. رومیانی، احمد، بهمنی، افشین، نظری شیخی، معصومه و حق‌نظری، سمیه. (۱۳۹۸). پیوندهای مکانی و سبک زندگی زنان در سکونتگاه‌های پیراشهری: مورد شهرستان سلسله. توسعه فضاهای پیراشهری، ۱(۲)، ۸۵-۹۴.
۱۰. زینالی عظیم، علی، سلوکانه میاندوآب، حدیث و جدیری عباسی، محمد. (۱۴۰۳). رویکردی به شهر اسلامی از دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام. پژوهش نامه فقه و علوم اسلامی، ۳(۱۱)، ۱۰۷-۱۳۱.
۱۱. زینالی عظیم، علی. (۱۴۰۳). ارزیابی عوامل مؤثر در تأمین امنیت زنان با طراحی فضاهای شهری در سکونتگاه غیررسمی خلیل‌آباد تبریز. مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۳(۵)، ۹۳-۱۱۲.
۱۲. البرزی، صدیقه، موحد، مجید، مظفری، روح‌اله و عنایت، حلیمه. (۱۴۰۰). مطالعه سبک زندگی سلامت‌محور زنان جوان شهر شیراز و عوامل مرتبط با آن. مطالعات جمعیتی، ۱۷(۱)، ۳۱۹-۳۴۴.
۱۳. عابدی جعفری، حسن و صالحیان، مجید. (۱۴۰۳). مدل تأثیر سبک زندگی دینی بر عملکرد شغلی: مرور سیستماتیک. پژوهش نامه سبک زندگی، ۲(۲)، ۳۷-۵۴.
۱۴. عزیزی، محمدمهدی و پیرکار، رضا. (۱۴۰۲). نقش فضاهای عمومی درون‌محله‌ای در ارتقای مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: محله کوی نصر تهران). صفا، ۳۳(۳)، ۷۹-۹۸.
۱۵. عشایری، طاه، قنبری برزیان، علی و زهرانی، داود. (۱۴۰۲). منابع احساس امنیت اجتماعی زنان و

- عوامل مؤثر بر آن. مطالعات زن و خانواده، ۱۱(۱)، ۷۳-۱۰۷.
۱۶. فرحزاد، مریم، رفیعیان، مجتبی، کامیابی، سعید و ارغان، عباس. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۳(۱)، ۱۲۸-۱۵۰.
۱۷. کافی، مجید. (۱۴۰۳). زمینه‌های آمیختگی سبک زندگی اسلامی و ایرانی. پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۱۰(۲)، ۹-۳۶.
۱۸. کرمی، اسلام، بصیری، مصطفی و زینالی عظیم، علی. (۱۳۹۹). تحلیل طراحی فضاهای شهری ایمن برای زنان بر اساس تعاملات اجتماعی مادر و کودک (پارک بانوان آنا در تبریز). نشریه علمی شهر ایمن، ۳(۳)، ۴۹-۶۷.
۱۹. کرمی، مهنوش، روشنی، شهره و زارغان، منصوره. (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان از چالش‌های مادری در فضای شهری. مطالعات جامعه‌شناسی شهری، ۱۲(۴۲)، ۱۹۹-۲۳۶.
۲۰. موسوی، سارا و شریعت‌پناهی، مجیدولی. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش و ارتقای احساس امنیت زنان در فضاهای شهری (نمونه موردی: مناطق ۵ و ۶ شهرداری تبریز). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۹(۳۷)، ۲۳-۴۵.

21. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
22. Carrera L and Castellaneta M (2023) Women and cities. The conquest of urban space. *Front. Sociol.* 8:1125439. <https://doi.org/10.3389/fsoc.2023.1125439>.
23. Carrera, L. (2022a). Designing inclusive urban places. *Ital. Sociol. Rev.* 12, 141–158. <https://doi.org/10.13136/isr.v12i1.522>.
24. Charafi, S. (2023). Gender mainstreaming and intersectionality in urban policies: Case studies of Austria and Spain. *Tijdschrift voor Genderstudies*, 26(1), 38–55. <https://doi.org/10.5117/TVGN2023.1.003.CHAR>
25. Chen, S., Lin, S., Yao, Y., & Zhou, X. (2024). Urban public space safety perception and the influence of the built environment from a female perspective: Combining street view data and deep learning. *Land*, 13, 2108. <https://doi.org/10.3390/land13122108>.
26. Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. University of California Press.
27. Goffman, E. (1959). *The presentation of self in everyday life*. Garden City, NY: Doubleday.
28. Jalalkamali A, Doratli N. (2022) Public Space Behaviors and Intentions: The Role of Gender through the Window of Culture, Case of Kerman. *Behav Sci (Basel)*. 10;12(10):388. doi: <https://doi.org/10.3390/bs12100388>.
29. Li, K. (2024). Research on the factors influencing the spatial quality of high-density urban streets: A framework using deep learning, street scene images, and principal component analysis. *Land*, 13, 1161. <https://doi.org/10.3390/land13121161>.
30. Martínez Caparrós, A. (2024). Public safety and urban women's participation. *Journal of Urban*

- Studies, 61(2), 179–195. <https://doi.org/10.1016/j.jurbstu.2024.61.2.179>.
31. Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C. (2024). Understanding the relationship between urban public space and social cohesion: A systematic review. *International Journal of Community Well-Being*, 7, 155–212. <https://doi.org/10.1007/s42413-024-00204-5>.
 32. Sadeghi, A. R., & Jangjoo, S. (2022). Women's preferences and urban space: Relationship between built environment and women's presence in urban public spaces in Iran. *Cities*, 126, 103694. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103694>.
 33. Zysk, E. (2024). Identification of determinants that reduce women's safety and comfort in urban public spaces (UPS). *Sustainability*, 16, 10075. <https://doi.org/10.3390/su162210075>.